درس 35

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
اشعيا
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتابمقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (اشعيا 9، 10، 11، 40)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد، فقط يادداشت برداريد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
مرور. دو به دو مرور كنيد. روميان 10:17.

4 تعليم (90 دقيقه)
ثروتمند نادان + مرد ثروتمند و ايلعازر فقير
مثل «ثروتمند نادان» در لوقا 12:13ـ21 و مثل «شخص ثروتمند و ايلعازر فقير» در لوقا 16:19ـ31 مثل‌هايي دربارة ثروت زميني در ملكوت خدا مي‌باشند.
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضيحي است مبتني بر امور واقعي زندگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقايع عادي و روزمره زندگي انسان استفاده مي‌كرد تا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ش. ضميمه 1، راهنماي ملكوت 1) بررسي خواهيم كرد.

الف) مثل ثروتمند نادان

قرائت: لوقا 12:13ـ21.

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
مقدمه: مَثَل‌ها با زبانِ مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني تشريح شود. از اين رو، نخست به بررسي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخي داستان مي‌پردازيم.
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:
الف) مرد ثروتمند. شخص ثروتمندي محصول فراواني از مزرعة خود برداشت كرد. كتاب‌مقدس هيچ كس را به دليل ثروتمند يا موفق بودن محكوم نمي‌نمايد. ايوب، ابراهيم، سليمان و يوسف رامه‌اي، همه اشخاص ثروتمندي بودند. در متن كتاب‌مقدس نيز چيزي حاكي از اينكه اين شخص به روشهاي نادرست ثروتمند شده باشد، نيامده است. تأكيد بر اين است كه خدا عمل دستهاي او را بركت داده است.
ب) مادي بودن. در اين شخص اشكالي كه وجود داشت، ثروتمند بودن نبود، بلكه اين امر كه او انساني مادي بود! او درك نكرده بود كه اين جسم فاني است و هميشه باقي نخواهد ماند. او همچنين روي اين حقيقت فكر نكرده بود كه ثروتش نمي‌تواند از جانش محافظت نمايد. اگر چه از نظر فيزيكي ثروت بسيار داشت، اما جانش هيچ چيز نداشت.
ج) خودخواه بودن. اين شخص ثروتمند فقط به فكر خودش بود و نه به فكر ديگران. او نقشه هايي طرح مي‌كرد كه در آنها فقط «من» و «اموال من» جاي داشت. او هيچ توجهي به افراد بسياري كه گرسنه بودند نداشت و به فكر اين نبود كه از ثروت خود نيز به آنها كمك نمايد.
د) بي خدايي. شخص ثروتمند براي موفقيت و ثروتش از خدا تشكر نمي‌كرد و او را جلال نمي‌داد. او همانند يك ملحد و خدانشناس رفتار مي‌كرد. داود پادشاه چنين گفته است: «اي جان من خداوند را متبارك بخوان و رحمت‌هاي او را فراموش نكن»، اما اين شخص ثروتمند به خود (به جان خود) گفت: «اي جان، اموال فراوان اندوخته شده بجهت چندين سال داري؛ الحال بيارام و به اكل و شرب و شادي بپرداز!» او به بركات و ثروتي كه داشت همچون امانتي نگاه نمي‌كرد كه بوسيله فيض خدا به او سپرده شده است (يعقوب 1:17).

ه) مرگ غير منتظره. در همان لحظات خدا به او گفت: «اي احمق، در همين شب جان تو را از تو خواهند گرفت؛ آنگاه آنچه اندوخته‌اي، از آنِ كه خواهد بود؟» اينكه خدا چگونه با او سخن گفت بيان نشده است، مي‌توانست بصورت مستقيم باشد، يا از طريق يك نبي و يا وجدان خود او. حقيقت اين است كه خدا او را «احمق» خطاب كرد، چرا كه به‌نظر مي‌رسد او چنين فكر مي‌كرد كه به خدا احتياجي ندارد. او فكر مي‌كرد كه ناخداي جان خود و حاكم بر سرنوشت خويش مي‌باشد. خدا مي‌خواست جان او را بگيرد، البته نه بعد از سالها زندگي شاد و خوش، بلكه در همان شب! او احمق بود چرا كه فكر مي‌كرد بر سرنوشت زندگي خود و زمان مرگ خويش كنترل دارد! او هرگز در مورد اين كلمات اشعياي نبي فكر نكرده بود: «هاتفي مي‌گويد: "ندا كن!" وي گفت: "چه چيز را ندا كنم؟" تمامي بشر گياه است و همگي زيبايي اش مثل گل صحرا. گياه خشك و گلش پژمرده مي‌شود، زيرا نفخه خداوند بر آن دميده مي‌شود. البته مردمان گياه هستند. گياه خشك شد و گل پژمرده گرديد، ليكن كلام خداي ما تا ابدالآباد استوار خواهد ماند.» (اشعيا 40:6ـ8).

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
مقدمه: چارچوب شامل «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربرد» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه شرايط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمينه معمولاً قبل از مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد، بعد از مثل.
كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟
يادداشتها:
الف) زمينه داستان در لوقا 12:4ـ7؛ 13ـ15 بيان شده است.
1ـ نگراني و ترس در مورد مرگ جسماني. عيسي مسيح به جماعت در مورد نگراني براي مرگ جسماني هشدار داده و گفت: «از قاتلان جسم كه قدرت ندارند بيشتر از اين بكنند، ترسان مباشيد، بلكه به شما نشان مي‌دهم كه از كِه بايد ترسيد! از او بترسيد كه بعد از كشتن، قدرت دارد كه به جهنم بيفكند. بلي به شما مي‌گويم از او بترسيد!» مسيح شاگردان خود را در ارتباط با مرگ جسماني دلگرم كرده و قوت قلب داد؛ او فرمود: بدترين كاري كه دشمن مي‌تواند انجام دهد، از بين بردن و كشتن جسم آنهاست، اما نمي‌تواند جان آنها را از بين ببرد. قدرت آنها براي صدمه زدن به فرزندان خدا بيش از اين نخواهد بود. اما مسيح به شاگردان خود در ارتباط با مرگ ابدي هشدار داد. او گفت قدرتي كه مي‌تواند باعث مرگ جسماني گردد مسلماً با قدرتي كه مي‌تواند موجب مجازات ابدي گردد، قابل مقايسه نمي‌باشد.
2ـ نگراني براي پول و ماديات. شخصي از ميان جمعيت از مسيح درخواست كرد كه در مشكلي كه او در خصوص تقسيم ارث داشت، پادرمياني كند. قاعده و قانون عهدعتيق در مورد تقسيم ارث در ميان قوم يهود در كتاب تثنيه 21:15ـ17، اعداد 27:8ـ11 و اعداد 36 نوشته شده است. احتمال دارد كه در اين مورد برادر بزرگتر نمي‌خواست كه سهم برادر كوچكتر را از ارث كه يك سوم آن مي‌گرديد، به او بدهد. بهرحال، به نظر مي‌رسيد كه عدالت اجرا نشده است و چون معلمان شريعت بعضي اوقات به چنين موضوعاتي رسيدگي مي‌كردند، از مسيح خواسته شد كه در اين مورد براي حل مشكل حكميت كند. مسيح قاطعانه از اين كار امتناع كرد، احتمالاً به اين دليل كه نمي‌خواست اشخاصي را كه صاحب اختيار و صلاحيت براي رسيدگي به اين موضوع بودند، ناديده بگيرد؛ و همچنين وظيفه او در جستجو و نجات گمشدگان بسيار مهم‌تر بود.
مسيح مي‌دانست كه مشغله فكري اين مرد در خصوص موضوعات مادي، ريشه در طمع دارد. بنابراين او مَثَل ثروتمند نادان را براي تمام جمعيت بيان نمود.

ب) داستانِ مَثَل در لوقا 16:12ـ20 يافت مي‌شود.
ج) توضيح يا كاربرد مثل در لوقا 20:12ـ21، قسمتي در داستان و قسمتي هم در هشدار نهايي مسيح بيان گرديده است.
مسيح فرمود فقط افراد نادان فكر مي‌كنند كه بر سرنوشت خود و زمان مرگشان كنترل دارند. حيات امري است كه حتي ثروتمندان نيز نمي‌توانند آن را تصاحب كرده يا بر آن كنترل داشته باشند! عيسي مسيح هشدار داد هر شخصي كه فقط نگران ثروتهاي مادي باشد و ثروت روحاني را ناديده بگيرد، احمق است و همانند شخص احمق در اين مثل، خواهد مرد. اشتباه اصلي و اساسي ثروتمند نادان در اين بود كه فكر مي‌كرد مي‌تواند زندگي خود را بر بنياد ثروت زميني‌اش بنا نمايد!

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مَثَل‌هايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصلي مثل را استحكام مي‌بخشند. بنابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحانيِ مستقلي قائل شويم.
كشف و بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:
عيساي مسيح فقط به شخص ثروتمند معناي مشخصي را اطلاق مي‌نمايد. اين شخص معرف افرادي است كه فقط پول و ثروت مادي را براي خود ذخيره مي‌كنند، اما از ديدگاه خدا (از نظر روحاني) ثروتمند نمي‌باشند.

4- تشخيص پيام اصلي مثل
مقدمه: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خودِ داستان. از روشي كه خودِ عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونه بايد تفسير كنيم. هر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثل ثروتمند نادان در لوقا 12:13ـ21 دربارة «ثروت و دارايي‌هاي زميني در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد.
پيام اصلي اين مثل عبارت است از: «انسان نبايد فقط براي خودش زندگي كند، بلكه بايد در تمام جوانب زندگي خود فقط روي خدا حساب كند و اعتماد نمايد. مي‌بايد هميشه نسبت به وابستگي خود به خدا آگاه و هوشيار باشد، مخصوصاً در ارتباط با زندگي و ثروت زميني!»
«اعتماد و وابسته بودن به خدا براي هر روز زندگي» يكي از مشخصه‌هاي اصلي در ملكوت خدا مي‌باشند. قوم حقيقي ملكوت خدا زندگي خود را بر بنياد دارايي و ثروتهاي مادي خويش بنا نمي‌كنند، بلكه بر اعتماد و وابستگي كامل به خدا.

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتابمقدس
مقدمه: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجود در تمام مثل‌ها با حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتابمقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يا تضاد. سعي كنيد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثل را با تعليم مستقيم و واضح كتابمقدس محك بزنيد.

الف) كشف و بحث: ديدگاه كتاب‌مقدس در مورد ثروت مادي چيست؟
يادداشتها:
در هيچ جاي كتاب‌مقدس خدا ثروت مادي را محكوم نكرده است.
1- قرائت: پيدايش 13:2؛ ابراهيم از نظر برخورداري از دام و جواهرات، بسيار ثروتمند بود.
2- قرائت: 1پادشاهان 3:10ـ13؛ خدا به سليمان پادشاه نه تنها حكمت، بلكه ثروت و جلال بخشيد.
3- قرائت: ايوب 1:3ـ؛ 42:12؛ ايوب از چنان ثروت زيادي برخوردار بود كه به‌عنوان ثروتمندترين مرد مشرق زمين معروف بود.
4- قرائت: متي 27:57؛ يوسف رامه‌اي يكي از شاگردان مسيح و شخصي ثروتمند بود.
5- قرائت: 1تيموتاؤس 6:17ـ19؛ خدا به اشخاصي كه در اين جهان ثروتمند هستند فرمان مي‌دهد كه مغرور نگشته و اميد خود را بر ثروت خويش قرار ندهند، چرا كه بي ثبات و زودگذر است، بلكه اعتماد و اميد خود را بر خدا قرار دهند. اين خداست كه براي انسانها به دولتمندي هر چيزي را كه باعث خوشي آنها مي‌گردد، تدارك مي‌بيند. خدا به اشخاص ثروتمند دستور مي‌دهد كه در خوبي كردن و انجام دادن اعمال خوب غني و ثروتمند بوده، اشخاصي بخشنده باشند و با اشتياق ديگران را نيز در ثروت خود سهيم گردانند. بدين طريق براي خودشان در دوره‌اي كه آسمان و زمين جديد مي‌آيد، گنجها ذخيره مي‌نمايند (مقايسه كنيد با متي 6:19ـ21).

ب) كشف و بحث: خطرات ثروت چيست؟
يادداشتها:
1- قرائت: تثنيه 8: 11ـ14؛ ثروت امكان دارد باعث غرور فرد و فراموش كردن خدا گردد.
2- قرائت: ايوب 31:24ـ28؛ ثروت امكان دارد كه باعث اعتماد و توكل شخص بر ثروت خويش گشته، در نتيجه وفاداري خود را نسبت به خدا از دست بدهد.
3- قرائت: جامعه 5:10ـ11؛ ثروت امكان دارد باعث نارضايتي و ناخشنودي فرد از دارايي خود گردد و در نتيجه تمام عمر خود را فقط صرف افزودن اموال و دارايي‌هاي خويش نمايد.
4- قرائت: مرقس 10:21ـ26؛ ثروت امكان دارد مانع ورود شخص به ملكوت خدا گردد.
5- قرائت: مزمور 73:2ـ12؛ يعقوب 5:1ـ6. ثروت امكان دارد باعث گردد شخص فردي متكبر، ترسو، ظالم، خودخواه، خسيس و بي‌انصاف گردد.

ج) كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها از كتاب‌مقدس را چگونه مي‌توان با تعليم مثل «ثروتمند نادان» مقايسه كرد؟
1- قرائت: مزمور 37:4ـ6؛ هر شخصي كه به خدا توكل كرده و در وي شادي مي‌نمايد، خدا به او مراد دلش را خواهد داد و عدالت او را پيش چشم ديگران به ظهور خواهد آورد.
2- قرائت: امثال 16:2ـ3؛ شخصي كه هر آنچه دارد به خداوند تسليم مي‌كند، خداوند نقشه‌ها و افكار او را موفقيت‌آميز مي‌نمايد.
3- قرائت: 1قرنتيان 10:31. هر كاري كه شخص انجام مي‌دهد، مي‌بايد آن را براي جلال خدا انجام دهد.

4- قرائت: كولسيان 3:24ـ25. هركاري كه انجام مي‌دهيد، آن كار را با تمام قلب و وجود و براي خدا انجام دهيد نه بخاطر مردم. در نتيجه آنچه دريافت خواهيد كرد، ميراث زميني و از مردم نخواهد بود، بلكه ميراث الهي و از خداوند. اين ميراث، علاوه بر ساير چيزها، شامل آسمان و زمين جديد نيز مي‌گردد.

د) قرائت: متي 6:19ـ24.
كشف و بحث: چگونه مي‌توان اين قسمت را با تعليم مثل مقايسه كرد؟
يادداشتها: هر شخصي كه خدا را خدمت مي‌كند، براي خويشتن گنجها در آسمان مي‌انـدوزد. قـوم ملكـوت خدا (مسيحيان) مي‌بايد دائماً بر جمع كردن گنجها براي خود در آسمان تمركز داشته باشند.
تعليم مسيح در مورد اندوختن گنجها در آسمان به اين شرح مي‌باشد:
1- گنجهاي زميني بوسيله بيد و زنگ از بين مي‌روند. بيد و زنگ معرف عوامل و فرايندهايي هستند كه باعث كم شدن ارزش گنجهاي زميني شده و در نهايت باعث مي‌گردند كه كاملاً در جهت هدف آنهـا عمـل نمايند. به اين صورت نان، كپك مي‌زند (يوشع 9:5)، جامـه منـدرس مي‌گـردد (مزمـور 102:26)، مـزارع پوشيده از خار و خس مي‌شود (امثال 24:31)، ديوار و حصارها خراب مي‌شود (امثـال 24:31)، سـقفها سوراخ شده، آب از آنها چكه مي‌كند (جامعه 10:18)، و طلا و نقره، كدر و تباه مي‌گردد. به همين صورت موريانه‌ها، طوفان‌ها، زلزله‌ها، سيل‌ها، آفات گياهي، فرسـايش خـاك، تصـادفات و اشـتباهات انسـاني و... غيره باعث ويراني گنجهاي زميني مي‌گردنـد. دزدان، از ديوارهـاي خانـه بـالا آمـده، دزدي مي‌كننـد. تـورم، ماليات سنگين كه همانند مصادره اموال است، ورشكستگي بانك، كسادي خريد و فروش كالا، تصـادفات، هزينه‌هاي مربوط به بيماري‌هاي طولاني، و بلاياي بسيار ديگر، همان تأثير را دارند. همچنين بدن انسانها از جمله بدن اشخاص قوي نيز بتدريج رو به زوال مي‌رود (مزمور 32:3؛ 39:4ـ7؛ 90:10؛ 103:14ـ16). زماني كه شخص مي‌ميرد تمام گنجهاي زميني او كه براي آنها نقشه‌ها داشت و تمام اميدهايش با خودش زايل خواهند شد.
2- گنجها در آسمان، نه نابود مي‌گردند و نه به سرقت مي‌روند. آنها شامل بركات بسيار ملكوت خـدا مي‌گردند بركاتي از قبيل: وفاداري كه تا ابد پايـدار اسـت (مزمـور 138:ـ 8)؛ زنـدگي و حيـاتي كـه پايـان نمي‌پذيرد (يوحنا 3:16)؛ نهري از آب كه هرگز در درون شخصـي كـه از آن مي‌نوشـد، متوقـف نمي‌گـردد (يوحنا 4:14)؛ بخششي كه هرگـز از بين نمي‌رود (يوحنـا 6:37ـ39)؛ دسـتي محافـظ و قـوي كـه هرگـز نخواهد گذاشت حتي يكي از گوسفندان مسيح دزديده شود (يوحنا 10: 28)؛ زنجيري از عملكرد مطلق و تمام خدا كه هرگز گسسته نخواهد شد (روميان 8:ـ 28ـ30)؛ محبت خدا كه نمي‌گـذارد شـخص برگزيـده شده هرگز از او جدا شود (روميان 8: 37ـ39)؛ دعوتي كه هرگز در آن بازگشتي نيست (روميان 11:29)؛ بنيادي كه هرگز مـتزلزل نخواهـد شـد (2تيموتـاؤس 2:19)؛ ملكـوتي كـه هرگـز جنبش نخواهـد خـورد (عبرانيان 12:28؛ دانيال 2:44)؛ و ميراثي كه هرگز زايل نخواهد گرديد (1پطرس 1:4ـ5).
3- چشم، چراغ بدن است. دقيقاً به همان صورتي كـه چشـم فـيزيكي انسـان، شـخص را بـه محيـط زميني او مربوط مي‌سازد، چشمان روحاني شخص نيز او را بـا پـدر آسـماني در ارتبـاط قـرار داده، او را بسوي موضوعات روحاني و اخلاقي هدايت مي‌نمايـد. بـا وجـود اين، تمايـل شـديد و قـوي بـراي گنجهـاي زميني مي‌تواند باعث كوري شخص نسبت به موضوعات روحاني و اخلاقي گردد. بـا از دسـت دادن آنچـه مي‌بايد هدف او باشد، يعني اعلام جلال خدا، شخص همه چيز را از دست خواهد داد.

6- خلاصة تعاليم اصلي مثل
بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؛ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟
يادداشتها:
الف) عدم وابستگي به خدا. امروزه مردم براي دوران پيري خود پس‌انداز مي‌كنند و بيمه بازنشستگي مي‌خرند. آنها تقريباً با هر چيزي كه انجام مي‌دهند يا كسب مي‌كنند، اطمينان و اطمينان بيشـتري را بـراي زندگي خود مي‌اندوزند. اما در اين دنيا، هيچ اطمينـاني براي زندگي وجود نـدارد. بـه دليـل بيمـاري، مـرگ، تورم، ركود اقتصادي، جنگ و قحطي هيچ اطمينـاني براي كسب درآمد حتمي، يا سلامتي و... وجود نـدارد. زندگي در روي زمين مي‌تواند در لحظه‌اي خاتمـه يابـد! شـادي و خوشـي در ثـروت و دارايي‌هـاي زميـني مي‌تواند در اثر يك بيماري يا تصادف از بين برود. چقدر احمقانه است كه شـخص فكـر كنـد مي‌توانـد هـر كاري را براي آينده زندگي زميني خود انجام دهد، در حالي كه آمادگي براي زنـدگي ابـدي را كـاملاً ناديـده مي‌گيرد. هر شخصي كه خدا را در زندگي و كار خود فراموش كند و ناديـده بگـيرد، نـادان اسـت (مزمـور 14:1ـ3).
ب) حرص و طمع. طمع شخص را به سوي عدم وابستگي به خدا سوق مي‌دهد. هيچ گفته نشـده كـه اين شخص ثروتمند مرتكب گناهان اخلاقي، از قبيـل نادرسـتي، كلاهـبرداري، دزدي و فسـاد اخلاقي شـده باشد. امكان دارد تصور كنيم كـه اين شـخص در بدسـت آوردن ثـروتش درسـتكار بـوده اسـت. امـا علت شكست و نابودي او داشتن ديدگاه و نگرش غلط روحـاني بـود: او زنـدگي‌اش را بـدون خـدا برنـامه‌ريزي كرده و نسبت به خدا براي بركاتي كه به او داده بود شكرگزار نبود، بلكه صـرفاً بـه تلاش و كوشـش زيـاد خود مي‌باليد (1قرنتيان 4:7). او هرگز قانع و راضـي نبـود چـرا كـه هميشـه در صـدد جمـع كـردن ثـروت بيشتري بود (فيليپيان 4:11ـ12). او ديگران را در دارايي خود سهيم نمي‌كرد و فقط براي خوشي خويش زندگي مي‌كرد (1قرنتيان 15:32). او به خدا اعتماد نكرد و زندگي خود را به وي تسليم ننمود، بلكه فقط

نگران اموال و داراييهاي خود بود (متي 6:31ـ34). او هيچگاه فكر نكرده بود كه زندگي چقدر زودگذر و كوتاه است. اگر زندگي بسرعت مي‌گذرد و به پايان مي‌رسد، پس چه چيز باقي مي‌ماند كه براي آن مي‌بايد نگران و دلواپس بود (متي 16:26)؟ او به دنبال چيزهاي موقتي و فسادپذير بود و از جستجو كردن امور ابدي و فساداپذير غفلت مي‌كرد (2قرنتيان 5:7). بطور خلاصه، او با بي‌اعتنايي و بي‌تفاوتي زندگي مي‌كرد! قابل درك است كه خواسته‌هاي انساني او لزوماً بد نبود، اما اين خواسته‌ها در رأس نظام ارزشي او قرار داشت. براي ثروتمند نادان بدست آوردن منفعت و سودِ بيشتر، تبديل به ارزشي بالاتر از حقيقت، راستي، عدالت و رحمت گرديده بود.

ج) برده و غلام پول و ماديات. ثروت داراي اين خصوصيت است كه مي‌تواند از صاحب خود نيرومندتر گردد، طوري كه در نهايت صاحبِ آن شخص مي‌گردد. ثروت در نهايت باعث مي‌گردد شخص آزادي اخلاقي و روحاني خود را از دست بدهد و برده و غلام ثروت گردد.

ب) مثل شخص ثروتمند و ايلعازر فقير

قرائت: لوقا 16:19ـ31.

1ـ درك داستان طبيعي مثل

بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟

يادداشتها:

زندگي شخص ثروتمند و ايلعازر فقير پيش از مرگ، امروز نيز مطابق واقعيات زندگي روزمره مي‌باشد. زندگي آنها پس از مرگ بياني است استعاري از سوي عيسي مسيح دربارة زندگي پس از مرگ.

الف) شخص ثروتمند و مرد فقير «پيش از» مرگ. اين شخص بسيار ثروتمند بود چرا كه از نظر مالي استطاعت پوشيدن لباس ارغواني و كتاني را داشت. رنگ ارغوان از يك جاندار دريايي تهيه مي‌گرديد و هزينه زيادي در بر داشت. اغلب فقط شاهزادگان چنين لباسي از جنس ارغوان را مي‌پوشيدند. اين شخص ثروتمند چون مي‌خواست همه بدانند چقدر ثروتمند است، هر روز چنين لباسهاي گرانقيمتي مي‌پوشيد و چنين زندگي پرخرج و تجملاتي را مي‌گذراند! اين شخص يك خودنما بود و فقط به فكر خودنمايي و نمايش دادنِ ثروت خويش بود. اما او فقط خودنما نبود، بلكه شخصي بي‌ملاحظه و خودخواه نيز بود.

در كنار دَرِ خانة اين شخص ثروتمند، يك فقير مي‌نشست. او را هر روز در آنجا مي‌گذاشتند، چرا كه ظاهراً نمي‌توانست راه برود. نام اين گدا ايلعازر بود كه از نام عبري « Eleazer » به‌معني «خدا كمك كرده است» مشتق شده است. شايد مسيح اين نام را به اين دليل در داستان به او داده كه مي‌خواسته به اين نكته اشاره كند كه اين فقير با وجود تمام بدبختي‌هايي كه داشت، اعتماد خود را بر خدا قرار داده بود. اين شخص كاملاً از تأمين نياز خود عاجز و درمانده بود. او نه تنها گرسنه بود، بلكه بدنش پوشيده از زخم بود و سگهاي خيابان مي‌آمدند و زخمهاي او را مي‌ليسيدند. اين امر مي‌توانست آسيب‌رساننده و بسيار آزاردهنده باشد. اين شخص ثروتمند قاعدتاً هر روز اين مرد فقير را در كنار دَرِ منزل خود مي‌ديد، چرا كه او را كنار دَرِ منزل او قرار مي‌دادند. او فرصت مناسب وعالي‌اي براي نشان دادن ترحم و دلسوزي خود نسبت به آن گدا و كمك كردن به وي داشت؛ با وجود اين، او حتي پس‌ماندة غذاي خود را به او نمي‌داد. او فقط و فقط براي خودش زندگي مي‌كرد.

ب) مرد فقير و شخص ثروتمند «پس از» مرگ. مرد فقير درگذشت. در مورد دفن كردن او چيزي گفته نشده است؛ اگر هم مراسم دفني بوده باشد، مي‌بايد آنقدر گمنام و حزن‌انگيز بوده باشد كه هيچ صحبتي دربارة آن نشده است. به هر حال آنچه براي روح او اتفاق افتاد از اهميت بسياري برخوردار است. فرشتگان فوراً او را به آغوش ابراهيم منتقل كردند (عبرانيان 1:14). آغوش ابراهيم يك اصطلاح عبري است كه از «لم دادن» و تكيه كردن روي نيمكت در ضيافت‌ها و جشن‌ها گرفته شده است و تكيه دادن در آغوش شخص ديگري بيان‌كنندة محبت خاص به شخص مي‌باشد (لوقا 14:7؛ يوحنا 1:18). مرد فقير به آسمان آورده شد، مكاني كه او بر جايگاه جشن و ضيافت آسماني، جايگاه افتخار و سربلندي عظيم، تكيه زد!

شخص ثروتمند نيز مرد و او را دفن كردند. احتمالاً مراسم به خاك‌سپاري با شكوهي در روي زمين داشت. توجه بسياري به بدن بي‌روح او گرديد، اما هيچ صحبتي دربارة روح او نشد. خويشان و دوستانش بر روي زمين نمي‌دانستند پس از مرگ چه بر سر او آمد! شخص ثروتمند چشمان خود را در «عالم اموات» گشود. اين اصطلاحي است كه مي‌تواند اشاره داشته باشد يا به وضعيت رهايي از جسم پس از مرگ و گور به‌عنوان مكان قرارگيري بدنِ شخص مرده، يا به دوزخ به‌عنوان مكان مجازات ابدي. خودِ متن تعيين مي‌كند كدام معنا مدنظر است. در اينجا، شخص ثروتمند از اينكه در دوزخ است، آگاهي داشت، چرا كه در شكنجه و عذاب بود و از آتش آنجا زجر مي‌كشيد.

ج) سرنوشت و عاقبت تغييرناپذير شخص ثروتمند. اگرچه شخص ثروتمند ابراهيم و ايلعازر را از دور ديد، و اگرچه گفتگوي بين مرد ثروتمند و ابراهيم محترمانه بود (همديگر را با عناوين پدر و فرزند مخاطب مي‌ساختند)، ولي هيچ تسكين و كمكي براي رنج او نبود. مرد ثروتمند نشان داد كه هنوز شخصيتش

عوض نشده است؛ او هنوز به ايلعازر به چشم يك نوكر و غلام نگاه مي‌كرد، شخصي كه مي‌بايد به او محبت و توجه نشان مي‌داد، اگرچه او خودش هرگز بـه ايلعـازر محبت و تـوجهي نشـان نـداده بـود! او از ابراهيم درخواست كرد كه ايلعازر را به قسـمتي كـه او در آنجـا بـود بفرسـتد تـا بـاعث آرامش و تسـكين عذاب او گردد.

ابـراهيم درخواسـت او را به‌عنـوان درخواسـتي نادرسـت و غـيرممكن رد كـرد! نخسـت اينكـه اين درخواست يعني تسكين و آرامش رنجهاي او، نادرست و برخلاف مقتضيات عدالت بود، چرا كه او آنچه را شايسته‌اش بود دريافت مي‌كرد! در مدتي كه بـر روي زمين زنـدگي مي‌كـرد، داراي برتري‌هـاي نادرسـتي بود. به ايلعازر كمكي نكرد، در واقع زندگي او نه براي ديگران مفيد بود و نه باعث جلال خدا مي‌شد. دوم، اين امر غير ممكن بود. عبور از ورطه و رفتن به سمت ديگر براي هميشه كاملاً غير ممكن و محـال بـود. در فلسطين دره‌هاي عميق و بـاريكي وجـود داشـت و عيسـي مسـيح از آن به‌عنـوان تصـويري نمـادين و فراموش‌نشدني براي بيان غير قابل تغيير بودن شرايط افراد بعـد از مـرگ اسـتفاده كـرد! اين شـكاف و ورطه براي اين بود كه عبور از آن غير ممكن باشد.

د) تنها پيام هشداردهنده براي انسان. شخص ثروتمند از ابراهيم درخواست نمود كه ايلعازر را از ميان مردگان بفرستد تا به برادران او بر روي زمين هشدار دهد، چرا كه مي‌ترسيد برادرانش او را به دليل الگو و نمونه بدي كه براي آنها بوده، در آينده سرزنش نمايند. شخص ثروتمند هنوز هم خودخواه بود، او به فكر همه انسانها نبود، بلكه فقط به فكر خانوادة خود! ابراهيم به او پاسخ داد كه آنهـا موسـي و انبيـا را دارنـد، كه منظور همان عهدعتيق است. در عهدعتيق روش زندگي‌اي مورد تأييد قرار گرفتـه كـه دقيقـاً بـرخلاف روش زندگي مرد ثروتمند بود. كتاب‌مقدس همـه انسـانها را تشـويق مي‌كنـد كـه بـه خـدا اعتمـاد نمـوده، ديگران را محبت كرده و مخصوصاً از محرومان و طردشدگان جامعه مراقبت به‌عمل آورند.

شخص ثروتمند گفت اگر شخصي از ميان مردگان نزد آنها برود توبـه خواهنـد كـرد. امـا او در اشـتباه بود، چرا كه وقتي عيسـي مسـيح مردگـان را زنـده مي‌كـرد، بـراي مثـال ايلعـازر بـرادر مـريم و مرتـا را، اشخاص بسياري بودند كه نه تنها توبه نكردند، بلكه براي كشـتن ايلعـازر توطئـه چيدنـد (يوحنـا 12:10) و براي كشتن عيسي مصمم‌تر از قبل گرديدن (يوحنا 11:47ـ50). همچنين بعد از اينكه خود عيسي مسـيح از مردگان قيام كرد، بسياري هنوز از ايمان آوردن به او امتناع مي‌ورزيدند (اعمال 4:2؛ 17:18). ابراهيم به شخص ثروتمند گفت كه اگر مردم نمي‌خواهند به هشدارهاي كتاب‌مقدس گوش فرا دهنـد، مطمئنـاً بـه هر شخصي كه از دنياي مردگان نزد آنان برود گوش نخواهند داد!

2ـ بررسي چاچوب آني مثل و تعيين عناصر آن

كشف و بحث: زمينه، داستان و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟

يادداشتها:

الف) زمينه داستان در انجيل لوقا فصل‌هاي 15 و 16 بيان شده است.

در لوقا فصل پانزده، عيسي سه مثل دربارة گوسفند گمشده، سكة گمشده و پسر گمشده بيان كرد. در اين مثلها او دربارة طرز برخورد خدا با اشخاصي كه از نظر روحاني گمشده و سرگشته هسـتند، تعليم داد. اين در واقع پاسخ و عكس‌العملي بود بـه نگـرش نادرسـتِ فريسـيان و معلمـان شـريعت نسـبت بـه باجگيران و گناهكاران. در اين سه مثل، عيسي نگرش و طرز برخورد غلط با مردم را آشكار نمود.

در انجيل لوقا فصل شانزده، عيسي دو مثل بيان مي‌كند. در مثل مباشـر زيـرك، اسـتفاده گنـاه‌آلود از دارايي و ثروت را نشان داد. در مثل شخص ثروتمند و ايلعازر فقير او رفتار و عملكرد شريرانه با انسـانها و ماديات را نشان مي‌دهد! شخص ثروتمند خودنما كاملاً فرامـوش كـرده بـود كـه بـا ثـروت زميـني خـود، دوستاني براي خويشتن پيدا كند (لوقا16:9). او جزو افرادي بود كه در ميان مردم بسيار بـااحترام ولي از نظر خدا مورد نفرت بود (لوقا 16:15). او دقيقاً متضاد و عكس سامري نيكو بود (لوقا 10:30ـ37).

ب) داستان مثل در لوقا 16:19ـ31 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربرد مثل بيان نگرديده است و مي‌بايد آن را از داستان و زمينه آن استنتاج گردد.

3ـ تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل

بحث: كداميك از جزئيات اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط است؟

يادداشتها:

الف) يك تفسير اشتباه. نمونه‌اي از تفسير اشتباه اين مثل در تفسير پاپ گريگوري اول (كبـير) (540 تـا 604 م.) ديده مي‌شود. او با اين مَثَل همچون يك تمثيل و نماد برخورد كرد. چون تفسير او را نمي‌توان از متن استنتاج يا برداشت نمود، بنابراين مي‌بايد آن را رد كـرد. او مثـل را اين گونـه تفسـير مي‌كـرد: «مـرد ثروتمند نمادي از يهوديان است، كه آييني از چيزهاي بيروني ساخته و از شريعت خدا براي انگيزه‌هاي پوچ و توخالي خود سوء استفاده مي‌كنند. ايلعازر كه پوشيده از زخمها بود، معرف و نماد امت‌ها اسـت، كـه از اعتراف گناهانشـان شـرمنده و شرمسـار مي‌باشـند. يهوديـان مغـرور از پـذيرش امت‌هـا بـراي شـناخت شريعت امتناع مي‌كردند. سگها معرف واعظين است كـه جراحـات جـان را بوسـيله موعظـه كلام خـدا و گوش دادن به اعتراف گناهكاران درمان كرده و شفا مي‌دهند.»

اگرچه تفسير تمثيلي و نمادين پاپ گريگوري اول را نمي‌توان پـذيرفت، امـا نكـات جـالب بسـياري در تفسير اخلاقي او از اين مثل وجود دارد. پاپ گريگوري اول در مورد به رخ كشيدن و نشان دادن ظـاهري ثروت و ستودن فضـيلت و برتـري فقـر هشـدار مي‌دهـد. او بـه شـنوندگان خـود در مـورد از دسـت دادن موقعيت‌ها براي محبت و مهرباني كردن به ديگران تذكر داد. او گفت: «بياموزيد كه از تمـام آنچـه زميـني

است متنفر بوده، تمامي افتخارات و سربلندي‌هاي گذرا را حقير شمرده و جلالي را جستجو نماييد كه باقي است. به تمام فقرا احترام بگذاريد. زماني كه اشخاصي را مي‌بينيد كه جهان آنها را ناديده گرفته، با آنها چون دوستان خود رفتار كنيد. از ثروت و دارايي خود به آنها ببخشيد... چرا در دادن و بخشيدن آهسته و كند هستيد؟ زماني كه چيزي را به فقرا در روي زمين مي‌دهيد، در واقع آن را به او مي‌دهيد كه در آسمان است.»

ب) جزئيات نامربوط. عيسي مسيح به جزئيات زير هيچ معناي خاصي را اطلاق نمي‌نمايد. بنابراين براي درك معناي مثل ضروري و اساسي نمي‌باشند. شرايط اشخاص بعد از مرگ و گفتگوي بين آنها در قالب اصطلاحاتي تحت‌اللفظي بيان گرديده تا تأثيري زنده و نيرومند بر جاي بگذارد. اما تمام اين جزئيات را نبايد بصورت تحت‌اللفظي تفسير كرد. براي مثال: «پس چشمان خود را... گشوده... يافت»؛ «سر انگشت خود را به آب تر ساخته»؛ «زبان مرا خنك سازد»؛ اينها را هيچ كدام نبايد تحت‌اللفظي تفسير كرد و فقط براي تأثير بيشتر و تقويت داستان بيان شده است. همچنين نمي‌توان اين نتيجه‌گيري را كرد كه «اشخاصي كه در جهنم و در ملكوت هستند، مي‌توانند با يكديگر سخن بگويند»، چرا كه در كتاب‌مقدس هيچ تعليم ديگري در اين باره وجود ندارد. تمام اين جزئيات در داستانِ مَثَل فقط به منظور تقويت داستان بوده و هيچ حقيقت خاصي را تعليم نمي‌دهند.

ج) جزئيات مربوط. با وجود اين، اين مثل بعضي حقايق را در مورد زندگي پس از مرگ بيان مي‌كند، چرا كه اين حقايق در قسمت‌هاي ديگر كتاب‌مقدس نيز تعليم داده شده است: اين حقيقت كه افراد پس از مرگ در حالت خواب نيستند، بلكه كاملاً هوشيار مي‌باشند، از جزئيات مربوط است. بعضي از اشخاص آشكارا نجات يافته و در آسمان با خدا خواهند بود، در حالي كه بعضي ديگر در عذاب و در جهنم خواهند بود؛ اين نيز از حقايق مربوط است. اين حقيقت نيز كاملاً مربوط است كه خدا به هيچ يك روحهاي مردگان اجازه برقراري رابطه با انسانهاي روي زمين نمي‌دهد، بلكه خواست و تمايل او اين است كه انسانها به كلام او كه در كتاب‌مقدس مكشوف شده است گوش فرا دهند (تثنيه 18:9ـ13؛ اشعيا 8: 19ـ20).

د) وجود شخص دولتمند و زندگي تجملاتي او نيز از جزئيات مربوط است. ثروتمند بودن به خودي خود گناه نمي‌باشد، اما خودخواه بودن و از ثروت خود براي كمك به ديگران استفاده نكردن گناه است. دليل محكوميت اين شخصِ ثروتمند اين نبود كه كارهاي شريرانه انجام مي‌داد، بلكه غفلت و قصور او در كمك كردن به همسايه‌اش بود!

ه) بردن ايلعازر به آغوش ابراهيم، از جزئيات مربوط است. ابراهيم به عنوان پدر همة ايمانداران معرفي شده است (روميان 4:11). اين حقيقت كه آن فقير به آغوش ابراهيم برده شده، بيانگر استقبال از او در آسمان مي‌باشد. در آسمان روحهاي اشخاصِ نجات‌يافته با يكديگر در حضور خدا مي‌باشند (عبرانيان 12:23). اين واقعيت كه عيسي آن فقير را ايلعازر ناميد، كه يعني «خدا كمك مي‌كند»، نشان مي‌دهد كه آن فقير با وجود رنجهاي زميني خود بر خدا اعتماد و توكل داشت.

و) بودن در عالم اموات (جهنم)، جايي كه مرد ثروتمند در عذاب بود، از جزئيات مربوط مي‌باشد. اين داستان هماهنگ با تعليم ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس، بيانگر وجود واقعي جهنم مي‌باشد و به‌عنوان مكاني كه بي‌ايمانان و شريران تا ابد در آنجا خواهند بود، معرفي شده است.

ز) ورطه عظيمي كه هيچ كس نمي‌تواند از آن عبور كند، نيز از جزئيات مربوط است. اين داستان هماهنگ با تعليم ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس، نشان مي‌دهد كه سرنوشت جاوداني هر شخص يا آسمان است يا جهنم، و اين امر بستگي به اين دارد كه او بر چه كسي اعتماد داشته و بر روي زمين چگونه زيسته است. اين سرنوشت كاملاً غيرقابل تغيير است! بعد از مرگ هيچ فرصت دوباره‌اي وجود ندارد كه انسانها بخواهند به عيسي مسيح ايمان آورند.

4 ـ تشخيص پيام اصلي مثل

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها:

مثل شخص ثروتمند و ايلعازر فقير در لوقا 16:19ـ31 دربارة «ثروت و ماديات در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد. پيام اصلي اين مثل عبارت است از: «نتايج و عواقب نحوة زندگي يك شخص قبل از مرگ در اين جهان حاضر، بعد از مرگ غير قابل تغيير خواهد بود! سرنوشت ابدي هر شخص (آسمان يا جهنم) بوسيله ايمان و خدمت او به خدا در اين جهان و قبل از مرگش مشخص مي‌گردد. خدا هر شخص را براي چگونگي ارتباطش مخصوصاً با افراد محروم جامعه و نحوة استفاده از ثروت و دارايي خويش مسؤول مي‌داند.»

«كمك كردن به اشخاص محروم و مستمند از دارايي خويش» يكي از ويژگيهاي اصلي در ملكوت خداست. شهروندان حقيقي ملكوت خدا به‌گونه‌اي زندگي مي‌كنند كه شايسته و درخور دعوتي باشند كه از آنها شده است (افسسيان 4:1). در ارتباط با ثروت و ماديات، آنها از آن به ديگران بخشيده و ديگران را در آن سهيم مي‌گردانند و اشخاصي بخشنده و دلسوز مي‌باشند.

5 ـ مقايسه مثل با قسمت‌هاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس

الف) قرائت: مزمور 119:105؛ 1قرنتيان 10:6، 11؛ افسسيان 4:32ـ5:2

كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در اين مثل مقايسه كرد؟

يادداشتها:

كل كتاب‌مقدس، هم عهدعتيق و هم عهدجديد، نشان مي‌دهند كه خدا انتظار دارد قوم او چگونه زندگي كنند. كتاب‌مقدس مملو از تعاليم و نمونه‌هايي است كه نشان مي‌دهند عيسي مسيح چگونه زندگي كرد و مسيحيان مي‌بايد چگونه زندگي كنند. شخص ثروتمندِ خودنما، كاملاً تعاليم و نمونه‌هاي كتاب‌مقدس را ناديده گرفت.

ب) رجوع كنيد به كتاب راهنماي كليسا 1، و ضميمه 2 «نظريه‌هايي در مورد زندگي پس از مرگ».

6 ـ خلاصة تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل‌هاي مربوط به ثروت زميني در ملكوت خدا

بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي اين مثل‌ها در مورد ثروت زميني در ملكوت خدا چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم و مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم.

يادداشتها:

الف) همه انسانها بايد بدانند كه خدا چگونه است. يكي از پيامهاي مهم اين مثل‌ها اين است كه خدا اشخاص را در مورد نحوة ارتباطشان با ديگران و مخصوصاً با افراد محروم جامعه و چگونگي استفاده از ثروت و دارايي‌هاي خويش مسؤول مي‌داند. نتايج و عواقب نحوة زندگي آنها قبل از مرگشان در اين جهان، پس از مرگ غير قابل تغيير خواهد بود! سرنوشت ابدي و جاوداني هر شخص چه ملكوت باشد و چه جهنم، بوسيله ايمان و خدمت او به خدا در اين جهان قبل از مرگ تعيين مي‌گردد (متي 6:24؛ 25:34ـ46).

ب) مسيحيان بايد بدانند كه چگونه بايد باشند. پيام مهم ديگر اين مثل‌ها اين است كه به ما نشان مي‌دهند كه خدا از ما انتظار دارد چگونه باشيم و چه كاري را انجام دهيم. اين مثل‌ها نشان مي‌دهند كه خدا از قوم خويش انتظار دارد كه فقط براي خودشان زندگي نكنند، بلكه با آگاهي و هوشياري از اين حقيقت زندگي كنند كه وجود آنها وابسته به خداست مخصوصاً در ارتباط با زندگي و ثروت زميني خويش. خدا مي‌خواهد كه قوم او نسبت به نيازهاي ديگران حساس بوده و نسبت به محرومان جامعه از خود محبت و دلسوزي نشان دهند.

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي

در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.

براي يك فرد يا يك گروه مثل‌هاي «ثروتمند نادان و شخص ثروتمند و ايلعازر فقير» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.

- اوقات خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از اشعيا 41ـ 42ـ 45 و 46 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: 5 آيه حفظي اخير را از روميان هر روز مرور كنيد.
- آمادگي: مطالعة كتابمقدس از روميان 1:10ـ21 . از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببنيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.